

Urfi Shirazi wa Sabk-e-Hindi

* Atiq ur Rahman

Abstract:

Mohammad ibn Badr-al-Din (963-999 AH), known by his pen name **Urfi**, Persian poet of the latter half of the 16th century. The young 'Urfi soon established himself as a leading figure in the literary life of Shiraz. In *Arafat al-aseqin*, the biographer Awḥadi of Balyan provides an eye-witness account of the poetic circle of Mir Maḥmūd Ṭarḥi, where Urfi and poets such as Qeydi of Shiraz and Gheyrati of Shiraz competed with each other in composing responses to the lyrics (*ghazals*) of Amir Ḳhosrow and Baba Faghani among others. In spite of the flourishing and highly competitive literary world of sixteenth-century Persia, 'Orfi made his mark quickly. His talents were recognized by Mohtasam of Kashan, and he corresponded with Wahsi of Bafq. Like many of his contemporaries, 'Urfi was lured to India by the lavish patronage of the Mughal courts and sailed from the port of Jarun in 1584.

After arriving in the Deccan, Urfi proved his talent in the literary salons of Aḥmadnagar, but his arrogance soon made him unwelcome, and he moved on to the imperial capital of Faṭḥpur Sikri. There he was well received by Faizi, the leading poet at the court of Akbar, whom 'Urfi accompanied on the campaign to the Punjab in 1585. Through Faizi, Urfi became acquainted with Masīḥ-al-Dīn Ḥakīm Abū'l Faṭḥ of Gilan who, until his death in 1589, was the poet's principal supporter and patron. Urfi then joined the associates of the Mughal statesman, general, and patron of letters, Mirza 'Abd-al-Raḥīm Ḳhan-e Ḳhanan. He held Urfi in great esteem and introduced him into the service of Akbar, and his son Salim. Urfi accompanied Akbar on his seasonal retreat to Kashmir in 1588, but did not enjoy his new status for long: he died of dysentery in Lahore in August 1591. Some three decades later, his remains were disinterred and reburied in Najaf.

These last two features in particular are also evident in Urfi's work in other genres. His mastery of the qaṣida has perhaps unjustly overshadowed his Ghazals, which at their best demonstrate a powerful command of language and subtlety of thought and imagery. As might be expected of a poet who grew up with the *maktab-e woḡu'*, his amatory lyrics are characterized by a discriminating insight into the psychology and negotiations of the love relationship (Shibli Noman, III, pp. 95-101). Urfi's real strength, however, is in his handling of philosophical and gnostic themes, and Ḍakawati Qaragozlu has noted the attitude of critical doubt and antinomianism that often informs Urfi's ghazals. Here, he shows his debt to his compatriot from Shiraz, Ḥafez, one of the few earlier poets whom Urfi praised without reservation and whose ghazals, along with those of another fellow poet from Shiraz, Baba Faghani, were among his favorite models for response poems. 'Urfi's *divan* also contains a few *tarkib-* and *tarji-bands* and several dozen *qat'as*, mostly on courtly themes, as well as a couple of hundred *roba'is*. He is one of the most prominent Persian poets of India style.

The phrase *sabk-i hindi* (Indian Style) has long had a faint air of rakish insubordination and unrepeatability about it and it is only recently that it has started to evoke comparatively positive feelings. However, this change is clearly symptomatic of a process of gentrification and seems to be powered as much by political considerations as by literary ones. "Wheeler Thackston even believes that "there is nothing particularly Indian about the 'Indian-style'....The more accurate description is 'High-Period' style."

The term *sabk-i hindi* was coined perhaps by the Iranian poet, critic, and politician Maliku'sh Shu'ara Muhammad Taqi Bahar (1886-1951) in the first quarter of twentieth century. It signposted a poetry in the Persian language, especially ghazal, written mostly from the sixteenth century onward by Indian and Iranian poets, the latter term to include poets of Iranian origin who spent long periods of their creative life in India. "Iranian" here means a native of "greater" Iran, a cultural entity that was generally meant to comprise all of present day Iran and Azerbaijan in the North and West, Afghanistan in the South and East, and Tajikistan and Uzbekistan in the East. Similarly, "India" stands not for just *Hindustan* (the part of the country that lies north of the river Narbada) but for the entire sub-continent.

Key words: Urfi, Sabk hindi , qasida, Ghazals

عرفی شیرازی و سبک هندی

*عتیق الرحمن

چکیده

زندگی: عرفی شیرازی (999-963ق) زندگی کوتاه خود را در همین هنگامه گذراند. او در نیمه‌ی قرن دهم هجری زاد. در شیراز، نشو و نما کرد و بالید. روح ناآرام و پرخاشگری داشت و به دنبال کسب تجربه‌های تازه و نیز براساس آوازه‌ی ادب‌پروری گورکانیان به هند شتافت تا همانجا مقیم شود و در سلك مداحان پادشاه و امرای آن سرزمین قرار گیرد. سرانجام نیز بی‌دیدار مجدد وطن در حوالی سی و شش سالگی و پیش از پایان قرن دهم هجری در هند درگذشت. همین چند داده‌ی کوتاه با قرار دادن او در ردیف کوچندگان به هند، می‌تواند او را به عنوان يك هندی‌سرا بشناساند. کار اما، در این نقطه، پایان نمی‌پذیرد؛ عرفی در دوره‌ی پایان مکتب وقوع و پیش از اوج‌گیری و عمومیت سبک هندی می‌زیست. این نیز اگرچه آشکار است که مهاجرت به هند، هیچ پیوندی با مکتب وقوع ندارد، گاه بر وقوعی بودن عرفی، اصرار ورزیده می‌شود. ریشه‌های این موضوع را به ظاهر بایست در میان نظریه پردازان مکتب بازگشت جست. مکتبی که از اواخر قرن دوازدهم هجری پدیدار شد و ضدیتی افراطی با سبک هندی داشت. از این رو با جداسازی بسیاری از شاعران آغاز این سبک، آنان را وقوعی نامید و به مصادره‌ی اشعار و اندیشه‌هایشان پرداخت.

کلید واژه ها: عرفی شیرازی، سبک هندی، مکتب و قوع، غزلیات عرفی

*استاد یار فارسی، بخش عربی، فارسی، اردو و مطالعات اسلامی، بها شا بهون، دانشگاه وشوا

بهارتی، شانتی نکیتن، بنگال غربی، هند Email: atiqura044@gmial.com

آثار عرفی شیرازی: در سال 996 ه. ق. دیوانی مشتمل بر 26 قصیده، 270 غزل و 700 قطعه و رباعی ترتیب داد. در حالی که پیش از آن 6000 بیت از شعر هایش را گم کرده بود. عرفی میان شاعران دوره ای بالید که شعر فارسی در گذار از مکتب

وقوع هندی رسیده بود. او یکی از شاعران بر جسته آغاز دوره صفویه و سبک " وقوع- هندی" است، اما در شعر می توان ردپای سبک عراقی (به ویژه سعدی) و حتی خراسانی را نیز سراغ گرفت

دیوان قصاید و غزلیات و مثنوی هایی به نام های: مجمع الابدکار- 1400 بیت

به

تقلید از مخزن الاسرار نظامی، فرهاد و شیرین - به تقلید از خسرو و شیرین نظامی که نا تمام مانده، ساقی نامه. عرفی شیرازی قصیده رائیه ای پرداخته که

چند بیتی از آن را می آوریم :

جهان بگشتم و دردا به هیچ شهر و دیار
نیافتم که فروشند بخت در بازار
کفن بیاور و تابوت و جامعه نیلی کن
که روزگار طبیب است و عافیت بیمار
مرا زمانه طناز دسته بسته و تیغ
زند به فرقم و گوید که هان سری میخار
زمانه مرد مصاف است و من ز ساده دلی
کنم جوشن تدبیر و هم دفع مضار
ز منجنیق فلک سنگ فتنه می بارد
من ابلهانه گریزم در آبگینه حصار
عجب که نشکنم این کارگاه مینایی

کہ شیشہ خالی و من در لجاجتم ز خمار
(دیوان عرفی شیرازی از محمد ولی الحق انصاری: ج 2، ص 119)

این قصیدہ شامل یکصد و ہشتاد بیت است کہ برخی نیز بہ جوابگوی او
برخاستہ اند.

از رباعیات عرفی شیرازی یکی این است :

زاهد بہ فریب مرد و زن مشغول است
صوفی بہ عمارت بدن مشغول است
عاشق بہ ہلاک خویشتن مشغول است
دانا بہ کرشمہ سخن مشغول است

(دیوان عرفی شیرازی رباعی 8 و 9)

تحفہ مرہم نگیرد سینہ افکار ما
سایہ گل برنتابد گوشہ دستار ما
باعثی دارد رواج سبوحہ کو تزویر کو
تا ببندد صد گرہ در رشتہ زنار ما
ما لب آلودہ بر توبہ بگشاییم لیک
بانگ عصیان می زند ناقوس استغفار ما
آتش افروز تب عجزیم و کس ہرگز ندید
جوشن تبخال شفاعت بر لب زنہار ما
مرحبا ای چارہ آسان می گشایی کار خلق
ناخنی پس تیز داری رخنہ یی در کار ما
ساکن میخانہ ما باش عرفی ز آنکہ ہست

چشمه تو و صفا در سایه دیوار

(غزل شماره 24 از دیوان عرفی شیرازی)

در تاریخ شعر فارسی شاعران خوش‌قریحه‌ای یافت می‌شوند که درخور جایگاه بلند شعر خود قدر نیافته‌اند. عرفی شیرازی شاعر آغاز دوره صفوی یکی از آنهاست. از میان 270 شاعر ایرانی عصر صفویه که به هند رفته‌اند، پس از صائب، تنها چند تن برجسته‌اند و عرفی بی‌گمان از نخستین برجستگان این دوره است.

دیگر نتوان جمال سیدی را دید از آبله فرنگ، ای همنفسان

(قصیده از کلیات عرفی شیرازی)

قالب شعری که در دیوان عرفی یافت می‌شود، یعنی قصیده، قطعه، مثنوی، ترکیب، ترجیع، غزل، رباعی، قطعه و مثنوی، به ترتیب قصیده و سپس غزل او بر جستگی دارد. از 52 قصیده ای که در دیوان او نمایان است، موضوع نوزده قصیده توحید و نعت پیامبر اکرم (ص) و مدح امام علی (ع) و دوازده قصیده دیگر مدح اکبر شاه و سه تن دیگر از حکمرانان هند است و موضوع بقیه قصاید عبارت است از: پند و اندرز، تفاخر، حسب حال، عزت نفس و مذمت، شکایت از وضع زمان، وصف کشمیر و چیستان برای شمع.

عرفی در قصاید خود استواری لفظ و فخامت زبان خراسانی و سور و شوز بیان عراقی را با نازک خیالی و مضمون گرایی سبک هندی و ترکیبات استعاری شگرفی که زائیده قریحه سرشار اوست، یک جا جمع آورده است. بیشتر مطلع های قصاید او بسیاری زیبا و با شکوه است و مثل فرود از آبشاری بلند توی دل را خالی می‌کند:

صبحدم چون بر دمد دل، صور شیوان زای من آسمان صحن قیامت گردد از غوغان من

(کلیات عرفی شیرازی، ج2، ص311)

غزلیات عرفی نیز به لحاظ مضمون یابی هندی ترند و هم در همان حال سرشار از طراوت و ترنم غزل های سبک عراقی اند:

گر نخل وفا بر ندهد، چشم تری هست تا ریشه در آب هست، امید ثمری هست

آن دل که پریشان شود از نالہ بلبل در دامنش آویز کہ با وی خبری هست

(دیوان عرفی شیرازی از محمد ولی الحق انصاری: ص 207)

عرفی مانندہ اغلب معاصرین خود شاعری فاضل و با سواد و محیط بہ علوم و معارف عصر خود بود و ہمین سبب شد کہ شعر او آمیختہ بہ اصطلاحات علوم و مطالب نظری و در نتیجہ از حد فہم متعارف قدری دور تر و با لا تر باشد.

در پایان غزلی از عرفی شیرازی:

چرا خجل نکند چشم اشکبار مرا کہ آرزوی دل آورده درکنار مرا

بہ راہ عشق بگیرم ز شوق بال و پری کہ نی پیادہ شمارند و نہ سوار مرا

نہ رام مردم اہل نہ صید مرشد شہر نشستہ ام کہ نسیمی کند شکار مرا

ز بیم فتنہ شادی چو کودکان ہمہ عمر غمت گرفتہ در آغوش و در کنار مرا

میا بہ ملک عدم یا چنان مکن عرفی کہ بی غمی بشناسد دران دیار مرا

(دیوان عرفی شیرازی از محمد ولی الحق انصاری: ص 132-133)

سبک ہندی: "سبک ہندی ما نند دیگر سبک ہا گسترده ی مشخص ندارد و روشن نیست کہ دربرگیرندہ ی چند شاعر است و کدام شاعران. فہرست ویژگی ہای آن کہ از دیگر سبک ہا جدایش می کنند، بہ قید شمارہ از کتابی بہ کتابی رونویس می شوند کہ شماری از آن ویژگی ہا را در دیگر سبک ہا ہم می توان یا فت. اگر سخن بر سر بسامد بالای آن ویژگی ہا ہم باشد، نیز میان شاعرانی کہ گمان می رود ہندی سرایند،

اختلاف معیارها و چپستی و چرایی شعر خوب، بسیار زیاد است." (دکتر اسدالله حبیب- سخنرانی در انجمن پارسی زبانان سوئیس- ژنو- 26 مه، 2007)

"میان سخن های بعض از اینان چنان تفاوت هایی هست که حتی يك مبتدی، آن را در نخستین نگاه، درك می کند و بین این شاعران به واقع نمی توان به جز در صفات عمومی و همگانی شعر فارسی، وجه اشتراکی در سخنوری یافت". (دکتر ذبیح الله صفا- تاریخ ادبیات ایران- جلد 5)

فارغ از اثبات بیهودگی های بی پایان مکتب بازگشت و ضدیت های بی حد و حصر آن با هرگونه نماد و نشانه ی هندی سرایی، مرزبندی صریح میان غزل مکتب وقوع با غزل سبك هندی - و هرگونه حد و مرز صریح میان سبك های شعری دیگر- کاری تقریباً غیرممکن و اساساً غیر لازم است. تغییر سبك در غزل، اتفاقی اعلام نشده، پیش بینی نشده، آرام، ناخودآگاه و وابسته به عوامل بیرونی فراوان است. از این روست که هرگز حدود و ثغور زمانی زایش و پیدایش هیچ سبکی به روشنی، مشخص نیست. غزل سرایان ایرانی کوچنده به هند، ویژگی های مکتب وقوع - و بقایای سبك عراقی- را با خود به آنجا بردند و نشانه هایی از آن نیز به طرز تازه منتقل شد. از این رو ویژگی های مشترک میان این دو گونه ی غزل، اندك نیست؛ ویژگی های معینی از مکتب وقوع چون اقدام به وارد کردن واژگان کوچه و بازار یا به کار بردن بحور و اوزان بلند - همه در تقابل با ایستایی پیش آمده در غزل کهن- به سبك هندی نیز انتقال یافت و بسیار نمایان تر شد. در مقابل، افراط در ساده سرایی، جای خود را به جزئی نگری شگفت انگیز و نازك اندیشی های فوق العاده داد.

ویژگی های دیگر غزل سبك هندی اما تا تثبیت این شیوه، زمان می خواست. پرداخته شدن و قوام یافتن طرز تازه، شامل مجموعه ای بزرگ از تجربیات هنرمندانه بود که به مرور زمان، حاصل شد و طبیعتاً امثال عرفی شیرازی، با توجه به دوره ی زمانی حیات شان، از دریافت بسیاری از این تجربیات، محروم بودند. جستجوی ویژگی هایی چون کشف و گسترش مفهوم تصویر یا اصرار در استعمال مضامین غریب و کاربرد فراوان صنعت تمثیل - که بعدها از نمادهای این سبك شدند - در غزل او بیهوده و تقریباً بی حاصل است. اما و در مقابل، فکرهای نو، تشبیهات و استعاره های

تازه، تشخیص دادن به اشیا و مفاهیم، عبارت آفرینی و ترکیب سازی و نیز به کارگیری وزن های بلند از ویژگی های سبک که با غزل عرفی و معاصرانش به سبک هندی راه یافتند. همین چند ویژگی عمده می تواند عرفی را در عصر آغاز و انسجام غزل سبک هندی در جایگاه ویژه ای قرار دهد. او و دیگرانی چون نظیری نیشابوری – که گویا روابط حسنه ای هم با هم نداشتند (واصولا عرفی با کمتر شاعری روابط حسنه داشت) – در پی ریزی این سبک، نقش مهمی ایفا کردند و در موارد بسیاری راه را برای پسینیان خود گشودند. اگرچه هنوز برای باریک اندیشی های بزرگانی چون صائب، وقت باقی بود.

بارزترین ویژگی های غزل عرفی اما، زبان آن است؛ در غزل های او به طیف وسیعی از واژگان تازه و ترکیبات جدید برمی خوریم که میان شورندگان در برابر شیوه ی قدیم غزل تا آن هنگام کاملاً بی سابقه است. عرفی در کمتر غزلی به تمامی به زبان کلاسیک، پایبند است و دست به ابداع در این زمینه نمی زند. موضوع کاربرد واژگان تازه اگرچه پیش از آن و در مکتب وقوع - البته بسیار کم رنگ تر - نیز دیده می شود، اما در غزل عرفی با توسل به ابزارهایی چون ترکیب سازی های تازه، ایجاد وابسته های عددی خاص و ... به نوعی تعهد به ایجاد تغییرات اساسی در زبان شعر، تبدیل شده و تحولی عمیق در این زمینه، ایجاد می کند تا شعر را به کلی از بند اصطلاحات به جا مانده از سبک عراقی برهاند. چنانکه پس از او نیز این راه تا آنجا ادامه می یابد که به تثبیت زبانی درخور سبک جدید، منجر می شود. او در عین حال، شعر خود را از مسالهی نارسایی و تعقید زبان – که بعدها یکی از دست آویزهای اصلی مخالفان سبک هندی شد - مصون نگاه داشت و به روانی و رسایی زبان، توجه ویژه کرد. با در نظر داشتن دوره ی خاص تاریخی، اجتماعی و ادبی عرفی شیرازی، نگاه به دیوان او، ما را با نوعی جدید از غزل، رو در رو می کند که اگرچه بر پیشینه ی چند صد ساله ی این قالب، استوار است اما هرگز تابع بس قید و شرط آن نیست. عرفس از جمله غزل سرایانی است که با درک عمیق از آنچه تا آن هنگام در غزل، اتفاق افتاده، لزوم تغییر را دریافتند و پی راهی تازه رفتند. در این راه اگرچه دست یافتن به موفقیت

مطلق، ممکن نبود - همچنان که آثار ضعیف و ناموفق بسیاری نیز به دست دادند که سیر این حرکت را دچار تزلزل می‌کرد. پیشرو بودن آنها اما در این تغییر اساسی، غیرقابل انکار است. به تمامی این دلایل، عرفی شیرازی بیش و پیش از هر سبک و مکتب دیگر، یک غزل‌سرای بزرگ و تأثیرگذار سبک هندی‌ست. زاویه‌ی دید او نسبت به غزل، طرز بیان او و راه برگزیده‌اش برای ارتباط با مخاطب به طرز دیگری شبیه نیست و دیوان اشعارش به سلفینه‌ی غزلی می‌ماند که به کرانه‌های پشت سر، باز نمی‌گردد.

کاربرد واژگان تازه و ترکیب‌سازی‌ها:

این شاهباز کیست که در صیدگاه او
مرغان بال‌بسته، هواگیر می‌شوند
(غزل شماره 202 از دیوان عرفی شیرازی)

*

نور جمال دوست نگنجد در این نظر
کو دیده‌ای به حوصله‌ی آفتاب، کو
(غزل شماره 540 از دیوان عرفی شیرازی)

*

ما گریبان دل از گل‌های غم، پر کرده‌ایم
از شراب تلخ‌کامی، جام‌جم، پر کرده‌ایم
مژده باد ای دل، نثار کام را آماده باش
کز گل پژمردگی، دامن غم، پر کرده‌ایم
(غزل شماره 425 از دیوان عرفی شیرازی)

نمونہ ہایی از شخصیت دادن بہ اشیا و مفاہیم:

تا فریبد ابلہان را در متاع روی دوست
آسمان پیش از تو، یوسف را بہ بازار آورد
(غزل شمارہ 164 از دیوان عرفی شیرازی)

*

نازم بہ حسن و عشق کہ از جام اتحاد
مستند و در میانہ، حیا کم نمی شود
(غزل شمارہ 298 از دیوان عرفی شیرازی)

*

ہزار آبلہ از ہر نفس فرو ریزد
کنون کہ از تہ دل تا لبم دعا جوشید
(غزل شمارہ 251 از دیوان عرفی شیرازی)

*

دل مراد بہ گرد حصول می گردد
دعا بہ کعبہ ی حسن قبول می گردد
مگر بہ مرحلہ ی بی نشانی افتادم
کہ رہ ز بادپہ بر عرض و طول می گردد
(غزل شمارہ 302 از دیوان عرفی شیرازی)

سبک هندی یکی از سبک های شعر فارسی است. درمورد تاریخ پیدایش این سبک اختلاف نظر وجود دارد برخی چون زرین کوب، شبلی نعمانی، حسن زاده و کورش صفوی پیدایش آن را به بابا فغانی شاعر قرن نهم هجری نسبت می دهند¹ و برخی دیگر شروع آن را از اوایل قرن یازدهم می دانند و نظریات دیگری نیز وجود دارد. در مورد خاستگاه آن نیز اختلاف نظر وجود دارد برخی خاستگاه آن را هند می دانند و در مقابل برخی دیگر اطلاق عنوان هندی را بر این سبک غلط دانسته ایران و بلاخص اصفهان را خاستگاه آن می دانند. چنانچه برخی دیگران را سبک اصفهانی خوانده اند. سبک هندی تا دوره ای که به "بازگشت ادبی" نام گرفته (اواسط قرن دوازدهم)، رواج داشته است.

حسن انوشه در مورد پیدایش این سبک می گوید: "با روی کار آمدن حکومت صفوی و رسمی شدن مذهب شیعه، شاهان صفوی جز شعرهای مذهبی به دیگر انواع شعر درباری، عرفانی و عاشقانه بی توجهی کردند و این باعث شد که شعر دیگر در انحصار طبقه خاصی نباشد و اصناف گوناگون مردم به شعر روی آوردند."² اما به نظر شبلی نعمانی، مولف کتاب معروف "شعرالعجم"، بابا فغانی بانی مکتب وقوع است. او مینویسد: "... بانی انقلابی که در شاعری متوسطین پیدا شد و باعث گشت دوره نوینی که آنرا دوره متاخرین و نازک خیالان گفته اند، آغاز شود، بابا فغانی است."³

استاد احمد گلچین معانی در آخرین تألیف خود به نام "تحفه ی گلچین" درباره ی منشأ اصطلاح سبک هندی چنین نوشته اند: "اصطلاح ناخوشایند سبک هندی را نخستین بار استاد حیدرعلی کمالی اصفهانی (م. 1325 شمسی) در منتخبات اشعار صائب، چاپ

1. کورش صفوی، نگاهی به چگونگی پیدایش «سبک هندی» در شعر منظوم فارسی

2. انوشه، حسن؛ فرهنگ نامه ادبی فارسی (دانشنامه ادب فارسی 2)، سازمان چاپ و انتشارات، 1376، ص 795.

3. نقل از محمد صالح راسخ، بررسی جنبه های زبانی و هنری سبک هند، وبلاگ

تهران، 1305، صفحه ی 10 عنوان کرده است. این نظر او که هندیها را دسته ای دانسته و صائب تبریزی را در رأس آنها قرار داده، مأخوذ است از اظهار نظر محمدحسن خان صنیع الدوله ی مراغه ای (اعتمادالسلطنه) درباره ی میرزا طاهر وحید قزوینی (م. 1112). وی در "منتظم ناصری" می نویسد: "...میرزا طاهر وحید قزوینی متخلص به وحید... از اصحاب فضل و افضال بوده، کلیاتی مشحون به نظم و نثر ترکی و عربی و فارسی قریب به نودهزار بیت دارد، اما اشعار او به سبک هندیها و چندان پسندیده و مطبوع نیست، بلکه اغلب مضامین آن موهون است." پس از کمالی، مرحوم ملک الشعرا ی بهار در سال 1301 ضمن خطابه ی مفصلی، که ماحصل آن در مجله ی "ارمغان" چاپ شد، اصطلاح سبک هندی را به زبان آورد و سپس در کتاب "سبک شناسی" (ج 3، ص 317) اشاراتی بدان کرد و یادآور شد که "مؤلفان تاریخ ادبی، خلاصه ی آن خطابه را بدون ذکر نام او در کتب خود شکسته بسته درج نمودند". بر اساس آنچه گذشت، اصطلاح سبک هندی جز آنکه ناخوشایند است، با واقعیت هم سازگار نیست.⁴

تحولات در سبک هندی:

به دلیل گستردگی حوزه زمانی و مکانی سبک هندی، تنوعاتی در این سبک پدید آمد که باعث پیدا شدن تمایزاتی میان شعر شاعران پیرو سبک هندی مقیم ایران و هند شده است. گروهی سبک متداول شاعران ایرانی این دوره را سبک صفوی نامیده اند و سبک هندی را درباره پیروان هندی این شیوه به کار برده اند؛ و در تقسیمی دیگر سبک شعر این دوره، سبک صفوی نامیده شده که برای آن دو شاخه سبک صفوی ایرانی یا اصفهانی و سبک هندی قایل شده اند. در شاخه هندی این سبک به دلیل بومی نبودن زبان فارسی در هند و محیط فرهنگی آنجا، زبان شعر پیچیده تر و اغلب با لغزش های دستوری و گاه سستی کلام همراه است.

4. محمد قهرمان، برگزیده ی اشعار صائب و دیگر شعرا ی معروف سبک هندی،»

این نکته نیز گفتنی است که اگر چه در ایران در سده دوازدهم هجری در قبال سبک هندی و انحطاطش واکنشی نشان داده شد اما نفوذ این سبک در پاکستان و تاجیکستان و افغانستان تا دوران اخیر ادامه داشته است.⁵ در پیدایش سبک هندی عواملی چون مذهب، سفر شاعران به هند، توسعه شهر اصفهان، رفاه اقتصادی و علاقه شاهان صفوی به فرهنگ را می‌توان دخیل دانست.

توضیح آنکه حکومت صفویه به شعر مدحی و درباری توجه نداشت و با آمیزه‌های سنتی عرفانی در تضاد بود؛ همین امر باعث شد شعر از دربارها خارج شود و همه اصناف حق ادعای شاعری یابند و توجه آنان به امور جزئی و پند و اندرز و... معطوف شد. از طرفی عدم درآمد از شعر مدحی باعث شد که شاعران به دربارهای هند روی برند و آشنایی آنها با تفکرات هندوان نیز تا حدودی در تغییر سبک دخیل گشت. رفاه اقتصادی مردم نیز علتی شد تا هر کس به وسع خود به نحوی به ادبیات و شعر و شاعری بپردازد و شعر در میان عامه رواج یابد و همه این عوامل کم‌کم زمینه پیدایش سبک هندی را به وجود آورد.

قالب شعری رایج:

قالب شعر در سبک هندی، «تک بیت» است که شکل غزل می‌یابد و به این صورت در یک بیت کامل می‌شود. منتهی این ابیات وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، قالب غزل می‌سازند. شاعر در این راستا می‌بایست مصرع اول را با مضمونی تازه بیان کند تا مطلب او جدید باشد. این امر باعث می‌شد که روز به روز امکان شاعران برای ایجاد روابط تازه محدودتر شود و آنان به سراغ ربط دادن امور دورتر بروند و کم‌کم در ورطه تعقید و اغراق افتند و ابهام در شعر بوجود آید. به این جهت است که می‌گویند در سبک هندی ابهام وجود دارد.⁶

شاعران سبک هندی:

5. محمد قهرمان، برگزیده اشعار صائب و دیگر شعراي معروف سبک هندی، محمد قهرمان. تهران: سمت، 1376

6. شمس‌یا، سیروس؛ سبک شناسی در شعر، تهران، فردوس، 1375، چاپ دوم، ص286 و 287.

از شاعران سبک هندی صائب تبریزی، زلالی خوانساری، علی نقی کمره ای، عرفی شیرازی، کلیم کاشانی، فیض دکنی، وحید قزوینی، بیدل، غنی کشمیری را می توان نام برد.⁷ علاوه بر این سلیم تهرانی، قدسی مشهدی، دانش مشهدی، نجیب کاشانی، بیدل دهلوی، الهی اسد آبادی، منصف تهرانی، تنهای قمی، سایر مشهدی، فطرت مشهدی و طالب آملی اند.

مختصات سبک هندی:

مختصات سبک هندی را در سه مقوله بررسی می کنیم:

زبان: روی آوردن طبقات مختلف مردم به شعر باعث شد که زبان کوچه و بازار به شعر راه یافته و دایره واژگام شعر گسترش یابد و بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنه شعر رخت بربندد؛ به نحوی که می توان گفت زبان شعری آن دوره زبان جدید فارسی است و از مختصات سبک خراسانی در آن خبری نیست.

زبان این سبک را باید زبانی واقع گرا قلمداد کرد؛ زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره است.

فکر: شعر هندی شعری معناگراست نه صورت گرا و شاعران به معنا بیشتر توجه دارند تا به زبان. آنان به دنبال مضمون سازی از هر چیزی در عالم طبیعت یا ذهن استفاده می کنند. ادبیات سبک هندی ادبیاتی مینیاتوری است و طول و عرض معنا از یک بیت بیشتر نمی رود و فو قش تحسین و اعجابی را در حد یک بیت برمی انگیزد.

کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب فلسفی و عرفانی و غنایی گذشتگان به بیان سبک هندی است. در این دوره افکار و لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان نیز به شعر وارد می شود.

7. سبک شناسی زبان و شعر فارسی- ملک الشعرای بهار

ادبیات: در سبک هندی به بدیع و بیان چندان توجهی نمی‌شود. «البته تشبیه اساس این سبک است اما از دیگر امور بدیعی و بیانی جز به صورت طبیعی و تصادفی خبری نیست زیرا سبک هندی شعر مضامین اعجاب انگیز و ایجاد رابطه‌های غریب است».⁸

ویژگی‌های سبک هندی:

زبان شعر سبک هندی از کنایه و تشبیه و استعاره خالی نیست ولی از همه صنایع تلمیح بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد زیرا در مضمون سازی که اساس این سبک است نقش فعالی دارد. نکته مهم دیگر وفور اصطلاحات سبک شناسی و نقد ادبی در شعر است.

قالب مسلط شعری، غزل است؛ غزلی که حد و حدود ندارد و شاید به چهل بیت هم برسد زیرا شاعر تکیه بیتی می‌سازد و آن را در غزلی که مناسبش باشد قرار می‌دهد لذا کم و زیاد کردن ابیات غزل آسیبی به شعر نمی‌زند و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است زیرا شاعر در این سبک تکیه بیت گوشت و قالب حقیقی مفردات است که شاعر ابیات را به وسیله قافیه و ردیف به هم گره می‌زند و این قافیه اگر تکرار هم شود اشکالی ایجاد نمی‌کند.

در شعر این دوره توجه به ردیف‌های دراز و خوش آهنگ ابتکاری رایج است؛ تکیه بیت‌ها جنبه ارسال المثلی دارند و تمثیل مهم‌ترین عنصر ادبی این دوره است. "به سبب جنبه ارسال المثلی، بیت دهان به دهان می‌گردد و اسم شاعر فراموش می‌شود به طوری که می‌توان گفت معروف بودن بیت و مجهول بودن اسم شاعریکی از مختصات شعری سبک هندی است".⁹

عرفی شاعر سبک هندی:

عرفی شیرازی یکی از شاعران توانای سبک هندی است و به خصوص قصایدش در این سبک تشخیص و امتیازی دارد و تا حدی می‌توان عرفی شیرازی را

⁸. سیروس شمیسا، کلیات سبک شناسی، انتشارات فرد و س، چاپ دوم، تهران، 1375: ص 298

⁹. سیروس شمس‌سی، همان، 1375: ص 300.

صاحب سبک خاص دانست. غزلیاتش سرشار از اندیشه های باریک و استعاره های بدیع و تازه هست. اگر چه از نظر لفظ چندان استوار نیست.

مولانا محمد بن خواجه زین الدین علی بن جمال الدین شیرازی ملقب به جمال الدین و متخلص به عرفی از مشاهیر و شعرای شیراز است. به کمال فضل و دانش و لطیفه گوئی و حاضر جوابی معروف است و طرزی مخالف مسلک قدما در شعر در پیش گرفته و غالباً در اثر کثرت تشبیهات و استعارات او، اصل مقصود در شعرش مبهم می ماند. چند بار به هندوستان رفته و در دربار اکبر شاه هندی تقرب یافته است.

نتیجه: شعر عرفی از نظر سبکی در محدوده سبک هندی قرار می گیرد؛ اما نمیتوان او را يك شاعر تمام و کمال متعلق به سبک هندی به شمار آورد. وی در غزلیاتش بیشتر تحت تأثیر سبک عراقی بوده و از مضامین و محتوای آن سبک بسیار استفاده نموده است؛ هر چند که نشانه های غالب دوره هندی نیز در غزلیاتش فراوان وجود دارد. او از جمله شاعرانی است که از مضمون و گفتار پیشینیان دست کشیده و طرزی تازه را آغاز کرده است. در واقع یا همان جریان معروف به سبک هندی بدو استواری یافته است و در " تازه گوئی " جریان میان متقدمان عصر صفوی، او موفقترین شاعری است که به این شیوه رسمیت بخشیده بگونه ای که میتوان وی را از مخترعان طرز تازه دانست.

استفاده از استعارات زیبا و تشبیهات بدیع از اختصاصات سبک وی است. دیوان عرفی مشحون از مضامین و ترکیبهای جدیدی است که تا زمان وی کسی به این صورت به آن نپرداخته بود. حس آمیزی، معماگوئی، اسلوب معادله، تشبیهات دور از ذهن که از خصوصیات سبک هندی است، در غزلیات وی بسامد بالایی ندارد؛ اما دیگر خصوصیات این سبک یعنی استفاده از قافیه های تکراری در يك غزل، ردیفهای طولانی، ایجاز بیتهای مردف، اجتناب از اوزان نادر در شعر عرفی دیده میشود.

عرفی شیرازی یکی از شاعران توانای سبک هندی است و به خصوص قصایدش در این سبک تشخیص و امتیازی دارد و تا حدی می توان عرفی شیرازی را صاحب سبک خاص دانست. غزلیاتش سرشار از اندیشه های باریک و استعاره های بدیع و تازه هست.

فهرست منابع و مآخذ

- ##. انوشه، حسن ، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره هند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، 1380
- ##. انوشه، حسن؛ فرهنگ نامه ادبی فارسی (دانشنامه ادب فارسی 2)، سازمان چاپ و انتشارات، 1376.
- ##. بدایونی، ملا عبدالقادر، منتخب التواریخ، به تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، تهران :انجمن آثار و مفاخر، فرهنگی، 1379
- ##. پروفیسر محمد ولی الحق انصاری، دیوان عرفی ، خدا بخش اورینتل لائبریری، پتنه، هند، 1999
- ##. جعفری، یونس و یوسف حسین خان، حافظ شیرازی و اقبال لاهوری، کیهان، فرهنگی، شماره 137، 1376
- ##. حسینی، سیدحسین ، بیدل و سبک هندی، تهران :سروش ، 1368
- ##. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران (جلد سوم)، انتشارات فردوسی، چاپ سوم، 1363.
- ##. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران (ج2)، چاپ پنجم ، تهران، 1356
- ##. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران ج5 / 1 ، انتشارات فردوس، چاپ دوم، 1363
- ##. رقیه ابراهیمی، سبک هندی، پژوهشکده باقرالعلوم، بازیابی: 10 آبان 1392
- ##. ضیاءالدین برّنی، تاریخ فیروزشاهی، به تصحیح شیخ عبدالرشید، علیگر، 1957.
- ##. عرفی شیرازی، دیوان عرفی، محفوظ در خدا بخش لائبریری، پتنه، هند، 128 برگ، 1209ه
- ##. سیدعلی موسوی گرمارودی ،به گزینۀ شعر عرفی شیرازی، چاپ هرمس، تهران، 1392، شابک: 978-964-363-825-8
- ##. سیروس شمیسا، کلیات سبک شناسی، انتشارات فردوس، چاپ دوم، تهران، 1373.
- ##. سیری در شعری فارسی، عبدالحسین زرین کوب، انتشارات نوین، 1363.
- ##. شعر العجم، شبلی نعمانی، ترجمه فخر داعی گیلانی، دنیای کتاب، تهران.
- ##. شفیع کدکنی، محمدرضا، شاعر آینه ها، تهران :نشر آگاه، 1371

- ## شمس لنگرودی، محمد، سبک هندی و کلیم کاشانی: گردباد شور جنون، تهران: نشر مرکز، 1367.
- ## شمسیا، سیروس، سبک شناسی شعر، تهران: میترا، 1376.
- ## شمسیا، سیروس، سبک شناسی در شعر، تهران، فردوس، 1375، چاپ دوم.
- ## شبلی نعمانی، شمس العلما محمد شبلی، ترجمه محمد تقی فخر داعی، دنیای کتاب، تهران، چاپ دوم، 1363.
- ## عرفی شیرازی، دیوان عرفی شیرازی، منشی نول کشور، کانپور، یوپی.
- ## عرفی شیرازی، کلیات به تصحیح ولی الحق انصاری، 2 جلدی، تهران: انتشارات، دانشگاه تهران، 1378.
- ## عفت نقابی، فارسی عمومی، انتشارات گلرنگ یکتا، چاپ اول، 1390.
- ## کورش صفوی، نگاهی به چگونگی پیدایش «سبک هندی» در شعر منظوم فارسی در دسترس در پرتال جامع علوم انسانی..
- ## کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، امیرکبیر، تهران، چاپ هفتم، 1364.
- ## محمد قهرمان، برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای معروف سبک هندی محمد قهرمان. تهران: سمت، 1376.
- ## ملک الشعرا بهار، سبک شناسی زبان و شعر فارسی.
- ## محمد صالح راسخ، بررسی جنبه های زبانی و هنری سبک هند، وبلاگ شرح پریشانی.
- ## محمود فتوحی، نقد ادبی در سبک هندی، چاپ سخن، چاپ دوم، تهران، 1385.

English Sources:

1. A Stranger In The City: The Poetics of Sabk-e-Hindi by Shamsur Rahman Faruqi, Oct.-Nov. 2003, Allahabad. (Internet)
2. History of Indo-Persian Literature, Nabi Hadi, Iran Culture House, New Delhi, 2001.
3. History of Persian Language and Literature at the Mughal Court, M.A. Ghani, Vol. I, 1929.